



Research Paper

The Soft Power of Cultural Diplomacy, a Successful Policymaking Paradigm in South Africa in the Post-Apartheid Era *

10.22034/CDRJ.2024.461815.1005

Amirbahram ArabahmadiAssociate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran
arabahmadi@ut.ac.ir

0000-0002-6514-9258

ABSTRACT

Since the dissolution of the apartheid system and the transition of sovereignty to blacks, South Africa has adopted a new cultural diplomacy as part of its overall strategy.

In this connection and due to the purpose of the country's cultural policymakers to introduce South Africa as a model in Africa and depict a successful picture in the world, they have fulfilled various artistic and cultural mechanisms as a way forward to achieve their main goals.

Apart from that, the South African government's emphasis on equality among all ethnic groups living in the country as well as its implementation of democracy and reverberating the title of rainbow country throughout Africa and the world, are considered parts of its cultural Strategies

This article examines some theoretical discussions about cultural diplomacy, while the cultural policy of South Africa in Africa and the globe is considered the main subject. The theoretical framework of this paper is based on the soft power theory of Joseph Nye

The methodology of this research is library studies as well as descriptive and analytical approaches. The main Research results are South African strategies in the sphere of culture to be conveyed to other countries

Providing a complete picture of all influential factors in South African cultural diplomacy is considered the initiative paradigm of the paper.

Received: 2024-04-05
Accepted: 2024-05-09

Keywords:

South Africa,
Culture, Cultural
Diplomacy, Great
Cultural Policies,
Africa Continent.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی پارادایم سیاست‌گذاری موفق آفریقای جنوبی در دورهٔ پسا آپارتاید*

doi 10.22034/CDRJ.2024.461815.1005

امیربهرام عرب‌احمدی

دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران

arabahmadi@ut.ac.ir

ID 0000-0002-6514-9258

چکیده

آفریقای جنوبی از زمان انحلال نظام آپارتاید و واگذاری حاکمیت به سیاهان، دیپلماسی فرهنگی نوینی را به‌عنوان بخشی از راهکار کلان خود برگزیده است. در این راستا و با توجه به تلاش سیاست‌گذاران فرهنگی این کشور برای تبدیل آفریقای جنوبی به الگویی در آفریقا و ارائه تصویری موفق در جهان، مدیران بخش‌های فرهنگ و سیاست خارجی کشور از سال ۱۹۹۴، مکانیسم‌های فرهنگی - هنری مختلفی را به‌عنوان بستر تحقق اهداف دیپلماسی فرهنگی، در سطح گسترده‌ای مورد استفاده قرار داده‌اند. دولت آفریقای جنوبی با تأکید بر برابری بین تمام اقوام و نژادهای ساکن کشور و اجرای اصول دموکراسی، سعی دارد لقب کشور رنگین‌کمان را در سرتاسر آفریقا و جهان طنین‌انداز کند و از این طریق راهبردهای عظیم فرهنگی خود را محقق سازد. در این مقاله ضمن بررسی برخی مباحث نظری در مورد دیپلماسی فرهنگی، اقدامات آفریقای جنوبی در عرصهٔ دیپلماسی فرهنگی در سطح آفریقا و جهان به‌عنوان موضوع اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. چهارچوب مقاله نیز عمدتاً بر نظریه قدرت نرم جوزف نای استوار شده است. روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است و یافته‌های پژوهش در قالب چند بخش، مبتنی بر راهکارهایی در گسترهٔ تاثیرگذاری فرهنگی آن بر دیگر کشورهای جهان است. ارائه تصویری کامل از عوامل نقش‌آفرین در تحقق دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی، پارادایم نوآورگونهٔ این مقاله محسوب می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

واژگان کلیدی:

آفریقای جنوبی، فرهنگ،
دیپلماسی فرهنگی،
راهبردهای کلان فرهنگی،
قاره آفریقا.

* مطالب مندرج در فصلنامه میبایست اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

<https://cdrij.icro.ir>

مقدمه

امروزه با گسترش قابل‌ملاحظه‌ی مناسبات سیاسی میان کشورهای مختلف جهان، دستگاه دیپلماسی اکثر کشورها ابزارهای نوینی را برای تحقق اهداف عالی میان‌مدت و کوتاه‌مدت خود عملیاتی کرده‌اند و درصددند با بهره‌گیری از راهکارهای مختلف و درعین‌حال متنوع، جایگاه خود را در گستره‌ی جهانی و منطقه‌ای ارتقا بخشند. یکی از ابزارهای نوینی که به‌ویژه طی دو دهه‌ی اخیر نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف راهبردی برخی کشورها در سطوح منطقه‌ای و جهانی ایفا کرده است، استفاده از قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی است. امروزه دیپلماسی فرهنگی اصلی اساسی و تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل و جایگزین ابزارهای سیاسی و اقتصادی است که کاربرد وسیعی در جهان معاصر یافته است و بسیاری از کشورها ترجیح می‌دهند از مکانیسم دیپلماسی فرهنگی در قالب ابزاری مطمئن برای «تبادل افکار، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگی میان ملت‌ها در راستای ترویج درک متقابل» استفاده مناسبی به عمل آورند. راهبرد نهایی دیپلماسی فرهنگی نیز عمدتاً بر مبنای ارائه تصویری روشن و موجه از فرهنگ ارزشی و رفتاری کشوری است که آن را به کار می‌گیرد.

آفریقای جنوبی یکی از کشورهایی است که طی دو دهه گذشته و از زمان ملغی ساختن نظام مبتنی بر تبعیض نژادی (۱۹۹۴ میلادی) در این مسیر گام نهاده و با استفاده از قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی، به پیشرفت‌های قابل‌توجهی در راستای گسترش قلمرو نفوذ خود در قاره آفریقا دست یافته است. در حال حاضر از این کشور به‌عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در قاره آفریقا یاد می‌شود که فراتر از آن، در سطوح بین‌المللی نیز به معرفی جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن خود پرداخته است.

مسئله و سؤال اصلی

در این مقاله تلاش شده است دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی و مکانیسم‌های مورد استفاده دستگاه سیاست خارجی این کشور در تحقق اهداف عالی فرهنگی خود در دیگر کشورها -

به‌ویژه در قاره آفریقا - در قالب موضوع اصلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی مقاله این است که «آیا آفریقای جنوبی در تحقق اهداف خود در بهره‌گیری توانمند و موفقیت‌آمیز از قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی موفق شده است؟» است. نویسنده می‌کوشد در قالب این پرسش، راهکارهای مورد استفاده این کشور در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی خود را بررسی کند. دستاوردهای حاصله نیز به‌عنوان متغیرهای مستقل ترسیم شده‌اند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت تحقیق عمدتاً ریشه‌گرفته از لزوم اطلاع‌رسانی و جلب توجه اندیشمندان داخل کشور به نفوذ و اثرگذاری دیپلماسی فرهنگی در جهان معاصر است؛ به‌گونه‌ای که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته برای تحقق دیپلماسی فرهنگی خود از پتانسیل سازمان‌های دولتی و غیردولتی نهایت بهره‌برداری را به عمل آورده و می‌کوشند ضمن معرفی مطلوب فرهنگ، جامعه و مردم خویش به دیگر کشورهای جهان، آرمان‌ها و ایدئال‌های سیاسی خود را در انظار افکار عمومی بین‌المللی موجه و دلپذیر سازند. اهمیت دیپلماسی فرهنگی امروزه تا بدان‌جا گسترش یافته است که بسیاری از صاحب‌نظران عرصه روابط بین‌الملل، از پایان جنگ سرد تاکنون فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی را یکی از ارکان مهم سیاست خارجی کشورهای تأثیرگذار دانسته‌اند و معتقدند دیپلماسی فرهنگی لایه زیرین اصول سیاست خارجی بسیاری از کشورهاست؛ به‌ویژه کشورهایی که درصدد تبدیل به نوعی قدرت منطقه‌ای هستند. این نظریه‌پردازان دیپلماسی فرهنگی را نمونه بارز اعمال قدرت نرم می‌دانند که امکان نفوذ در دیگر کشورها را از طریق عناصری همچون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها امکان‌پذیر می‌سازد.

درعین حال باید توجه داشت بسیاری از کشورها از دیپلماسی فرهنگی برای تأمین اهداف خود بهره‌برداری ابزار کرده‌اند و با کتمان بسیاری از واقعیت‌ها صرفاً می‌کوشند چهره‌ای مطلوب و آرمانی از جامعه خود را در منظر نظر جهانیان به نمایش بگذارند.

پیشینه تحقیق

هرچند دیپلماسی فرهنگی طی دو دهه گذشته در دستورکار وزارت امور خارجه آفریقای جنوبی^۱ قرار داشته است، با این حال این موضوع به صورت مستقل مورد توجه نویسندگان غربی نبوده است؛ از این روی دیپلماسی فرهنگی این کشور تنها در چند کتاب به زبان انگلیسی که طی سال‌های اخیر منتشر شده‌اند و در ذیل فعالیت‌های دستگاه سیاست خارجی آفریقای جنوبی به صورت گذرا مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^۲ این موضوع به‌رغم جذابیت فراوان، دستمایه مقاله‌های مندرج در نشریه‌های بین‌المللی نیز قرار نگرفته است و در لابه‌لای انبوه مقاله‌هایی که در مورد دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در کشورهای مختلف (عمدتاً غربی) نوشته شده است، صرفاً اشاره‌های بسیار کوتاهی به دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی شده است. در داخل کشور نیز به‌جرت می‌توان گفت در چند کتاب انگشت‌شماری که در مورد آفریقای جنوبی نوشته یا ترجمه شده‌اند، هیچ اشاره‌ای به دیپلماسی فرهنگی این کشور نشده است. بخش عمده اطلاعات گردآوری شده در این مقاله، حاصل جمع‌آوری اطلاعات محدود و پراکنده از کتب، مقاله‌ها و پایگاه‌های اینترنتی معتبر است که در نهایت منجر به پدیدآمدن این پژوهش - همراه با تلاش فراوان و صرف زمان قابل توجه - شده است.

نوآوری

هرچند نویسنده ادعایی در مورد نوآوری موجود در این مقاله ندارد ولی می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی و به‌ویژه راهبردهای اساسی آن تاکنون به‌طور مستقل مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفته است؛ از این روی ارائه تصویر کاملی از تمامی عواملی که به‌نوعی

1. Department of International Relations and Cooperation-South Africa

۲. معدودی از این کتب عبارتند از:

- Masters, Lesley, Zondi, Siphamandla (Eds) (2015). "South African Foreign Policy Review", Volume 2, Pretoria, Africa Institute of South Africa.
- Peter Alegi, Chris Bolsmann (Eds) (2013) "South Africa and the Global Game: Football, Apartheid and Beyond", London, Routledge.
- Michael Waller (eds) (2007) "The Public Diplomacy Reader", Washington DC, Institute of World Politics Press.

در تحقق این بخش از سیاست‌های فرهنگی آفریقای جنوبی نقش‌آفرین بوده‌اند، پارادایم نوآورگونه این مقاله به شمار می‌آید.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای و مبتنی بر منطق توصیف و تحلیل است و نویسنده تلاش کرده است با وجود کمبود شدید منابع موجود، اطلاعات دست‌اولی را درباره سیاست فرهنگی فراملی این کشور ارائه کند. یافته‌های این پژوهش در قالب چند بخش ارائه شده‌اند و نویسنده ضمن ارائه برخی مباحث نظری در مورد دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی، راهکارهای این کشور در گستره تأثیرگذاری فرهنگی خود بر دیگر کشورهای جهان را به صورت تقسیم‌بندی‌شده بررسی کرده است. در خاتمه نیز میزان توفیق این کشور در نیل به اهداف مورد نظر در حوزه دیپلماسی فرهنگی، به گونه‌ای تحلیلی به بحث گذاشته شده است.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این مقاله بر نظریه قدرت نرم جوزف نای و قابلیت‌های فرهنگی هر کشور در رسوخ تدریجی در سایر کشورها استوار شده است. جوزف نای استاد دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ در کتاب «تغییر ماهیت قدرت امریکایی» (۱۹۹۰) برای نخستین بار مفهوم قدرت نرم را مطرح ساخت و در کتاب «قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست‌های جهانی» (۲۰۰۴) آن را بسط و توسعه داد. بر مبنای این نظریه، قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب، مقصود و هدف از طریق جاذبه، هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، اعتبار، اخلاق، فرهنگ (Nye, 1990; 154-155)، جذابیت‌های فرهنگی و ایدئال‌های سیاسی (نای، ۱۳۸۷: ۸۳) با هدف تأثیرگذاری غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها (نای، ۱۳۸۶: ۱۲۹)، در شرایطی که این توانایی‌ها هزینه دستیابی به اهداف و موارد استفاده از اجبار را برای کشورها کاهش دهد (Nye, 2004: 11-15).

نای معتقد است زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی‌ها را به منظور پایان‌دادن به موضوعات محل اختلاف، مورد استفاده قرار دهد

(نای، ۱۳۸۷: ۱۰) و با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی، غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر بگذارد. از نظر نای این نوع قدرت را می‌توان چهره دوم قدرت نامید (Nye, 2004: 66-67).

۱. دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی از مؤلفه‌های مهم مدیریت تعامل با دیگر کشورهاست که فارغ از ملاحظه‌های امنیتی و سیاسی، در پی تأمین منافع ملی هر کشور بر مبنای به‌کارگیری فرهنگ و ابزار فرهنگی است. بهره‌گیری از پتانسیل دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها و کشورها را در دستیابی به اهدافی همچون معرفی هرچه بهتر کشور به دور از هرگونه حساسیت، ارتباط با نخبگان در دیگر کشورها، تعامل با گروه‌های دینی و زبانی، و تصویرسازی مناسب از فرهنگ و تمدن خود رهنمون می‌سازد. دیپلماسی فرهنگی درعین‌حال از قابلیت منحصربه‌فردی در انتشار افکار و دیدگاه‌ها فراتر از مرزها، همراه با زیرکی و تدبیر و بومی‌کردن این دیدگاه‌ها برخوردار است (Doyle, 1999: 53).

۱-۱. تعریف دیپلماسی فرهنگی

طی دو دهه گذشته تعاریف گوناگونی از دیپلماسی فرهنگی از سوی جامعه‌شناسان و اندیشمندان برجسته حوزه علوم سیاسی نظیر *میتون کامینگز* (Cumings, 2003: 1)، *فرانک نینکویچ* (Ninkovich, 1996: 3)، *مالون* (Malone, 1988: 12)، *مارک* (Mark, 2009: 8) و *سابلوسکی* (Sablosky, 2003: 2) ارائه شده است. وجوه مشترک این تعاریف، همکاری‌های فرهنگی میان ملت‌ها، ارتقای سطح ارتباطات و همکاری بین کشورها، مبادله همکاری‌های فرهنگی بین ملت‌ها، دست‌یافتن به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم دوجانبه میان کشورها و ملت‌ها، و معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های ویژه یک ملت به دیگر ملل است. با در نظر گرفتن تعاریف گوناگونی که توسط صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل و فرهنگ ارائه شده است و با برداشتی تطبیقی از وجوه مشترک آن‌ها، می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: «روایت داستان یک تمدن و فرهنگ برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از

جنس همان فرهنگ و تمدن. دیپلماسی فرهنگی آنگاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس و از طریق سیاست خارجی، به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد» (خانی، ۱۳۸۴: ۲). پتانسیل نهفته دیپلماسی فرهنگی را فرهنگ ملی، ارزش‌های ملی، هویت ملی و افتخار ملی تشکیل می‌دهد. هرچند نوع نگرش هر کشور به این مؤلفه متفاوت است ولی در نگرشی کلی، به تصویرسازی مثبت از آن کشور در راستای تلاش برای نفوذ فرهنگی در دیگر کشورها باز می‌گردد.

۲-۱. اهمیت دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی طی دو دهه گذشته از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در سطح جهان برخوردار بوده است و هرچند دانشمندان، آن را بخشی از دیپلماسی عمومی هر کشوری قلمداد می‌کنند ولی امروزه در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هند و غیره به صورت فرایندی مستقل و به موازات دیپلماسی عمومی فعالیت می‌کند و یکی از ابزارهای مهم در به‌ثمر رسیدن اهداف عالی سیاست فرهنگی خارج از مرزها در نظر گرفته می‌شود (Mark, 2009: 40). این در حالی است که یکی از شاخصه‌های مهم دیپلماسی فرهنگی، قابلیت والای آن در ایجاد ارتباط و نفوذ در فرهنگ‌های دیگر ملل بدون بروز هرگونه حساسیت است. در این راستا اندیشمندان علوم سیاسی، بر مبنای نظریه جوزف نای دیپلماسی فرهنگی را «تیین قدرت نرم و لزوم به‌کارگیری آن در عرصه مناسبات فرهنگی بین‌المللی در مقابل قدرت سخت» خوانده و قدرت نرم را همسان و مترادف دیپلماسی فرهنگی می‌دانند (Nye, 2004: X). در حال حاضر دیپلماسی فرهنگی عمدتاً در عرصه‌هایی همچون مناسبات دانشگاهی و تبادل استاد و دانشجو، تبادل اندیشه‌های نویسندگان، کانون فیلم، موزه‌ها و روزنامه‌ها فعالیت دارد و در مقایسه با دیپلماسی به مفهوم رایج سیاسی آن، اثر ماندگارتری دارد؛ به‌گونه‌ای که ماهیت غیرتهدیدآمیز دیپلماسی فرهنگی سبب کارایی آن می‌شود (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ با این حال آنچه مشخص است این است که گستره دیپلماسی فرهنگی در افقی

فراگیر دربرگیرنده اهدافی همچون توسعه تجارت، مناسبات سیاسی، منافع اقتصادی، گسترش روابط دوجانبه با دیگر کشورها، ارتباط با مهاجران در دیگر کشورهای جهان و اطلاع‌رسانی مناسب از فرهنگ و تمدن یک کشور به دیگر جوامع جهان است (Mark, 2009: 12).

۲. جایگاه فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی از کشورهای شاخص قاره آفریقا از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود. این کشور از سویی با اختصاص ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کل قاره آفریقا به خود، کسب مقام بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی این قاره و بهره‌مندی از بورس اوراق بهادار «جی‌اس‌ای»^۱ (یکی از ده بازار بزرگ سهام دنیا) دومین کشور قدرتمند قاره آفریقا از نظر اقتصادی (پس از نیجریه) به شمار می‌رود. از سوی دیگر با دارا بودن تنوع احزاب و آزادی‌های قابل‌ملاحظه سیاسی و حاکمیت اصول دموکراسی - از زمان انتقال دولت به صاحبان اصلی این سرزمین و لغو ابدی سیستم آپارتاید - نه تنها در سطح قاره آفریقا بلکه در عرصه جهانی نیز به موقعیت سیاسی ارزشمندی دست یافته است. آفریقای جنوبی از نقطه نظر اجتماعی دربرگیرنده قبایل و گروه‌های قومی زیادی است و جدای از سیاه‌پوستان که ساکنان اصلی به شمار می‌روند، گروه‌هایی از سفیدپوستان، رنگین‌پوستان و اقلیت‌هایی آسیایی نیز در کشور زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که لقب زیبای کشور رنگین‌کمان را به خود اختصاص داده است.^۲ آفریقای جنوبی در عین حال یکی از کشورهای صنعتی جهان محسوب می‌شود و کشاورزی مدرن و انبوه صنایع سنگین و ساخت ماشین‌آلات مختلف، آن را به یکی از کشورهای منحصر به فرد قاره آفریقا مبدل ساخته است (All about South Africa, 2004: 1983).

یکی از شاخصه‌های مهم آفریقای جنوبی، توجه جدی دولتمردان عالی‌رتبه به توسعه فرهنگ ملی و مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی است؛ به گونه‌ای که طی دو دهه گذشته به موازات

1. JSE

۲. چنین‌انداز شدن لقب «کشور رنگین‌کمان» در سرتاسر جهان که نخستین بار توسط اسقف دزموند توتو (برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۸۴) به کار برده شد و بهره‌برداری مناسب دولتمردان آفریقای جنوبی از این لقب که نمادی از مناسبات صلح‌آمیز دوستانه اقوام مختلف ساکن این کشور است، از اهداف پارادایم الگوسازی از آفریقای جنوبی در قاره آفریقا قلمداد می‌شود (Public diplomacy.com).

پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی، همواره توجه به آموزه‌های فرهنگی را در دستورکار خود قرار داده است و ضمن تلاش برای حفظ و ماندگاری فرهنگ و آداب و رسوم بومی بر جای مانده از پیشینیان، تعادل ظریفی بین فرهنگ و تمدن کهن قومی - قبیله‌ای سیاه‌پوستان و فرهنگ غربی بر جای مانده از حاکمیت طولانی‌مدت سفیدپوستان ایجاد کرده است. این سیاست خردمندانه دولتمردان آفریقای جنوبی از سال ۱۹۹۴ تاکنون موجب شده است این کشور ضمن تلفیق سنت‌های قدیمی و مظاهر تمدن غربی، به نوعی گفتمان مصالحه‌جویانه سنت و مدرنیسم در داخل کشور را به خوبی ترسیم کند.

۲-۱. فرایند شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی در آفریقای جنوبی

در ارتباط با خط سیر و نحوه شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی در آفریقای جنوبی گفتنی است هرچند فرایند توسعه سیاست کلان فرهنگی آفریقای جنوبی از دوره حاکمیت سفیدپوستان بر این کشور در جریان بوده است، با این حال زمینه‌های تدوین و طراحی سیاست ملی - فرهنگی آفریقای جنوبی به دوران آزادی ماندلا از زندان (در نخستین سال‌های دهه ۱۹۹۰) و پیش از تأسیس دولت آفریقای جنوبی نوین بازمی‌گردد (Waller, 2007: 182). پس از پیروزی سیاهان و تأسیس دولت نوین آفریقای جنوبی (۱۹۹۴ میلادی)، سیاست کلان فرهنگی آفریقای جنوبی در فرایندی دوراندیشانه و در راستای تحقق اهداف فرهنگی، محیط زیست و گردشگری (Falola & Salm, 2004: 152) و با هدف تحکیم اتحاد و همبستگی در بین تمام مردم این کشور و بنای جامعه‌ای به دور از هرگونه تبعیض نژادی (Marilyn, 1996: 3) و در عین حال تحکیم و تثبیت ارزش‌های فرهنگ بومی بر مبنای سیاست ملی و راهبردهای اساسی دیپلماسی این کشور شکل گرفت (Craik, 2007: 41). جدای از آن، دولت آفریقای جنوبی در همان سال به موازات تدوین سیاست ملی فرهنگی نوین، راهبردهای اساسی سیاست خارجی خود را نیز بر مبنای اصول ذیل اجرایی ساخت:

- کمک به ارتقا و معرفی دموکراسی و حقوق بشر در قاره آفریقا؛
- تلاش برای پیشگیری چالش‌ها و تشویق مذاکرات صلح‌آمیز؛

- ترویج توسعه پایدار و فقرزدایی در سطح قاره آفریقا؛
- تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات کشورهای قاره آفریقا؛
- حمایت از استحکام روابط جنوب - جنوب؛
- تلاش برای ایفای نقش پویا و سازنده در معادلات بین‌المللی به‌ویژه در قاره آفریقا (Annual report, 2007: 45).

پس از تدوین سیاست ملی فرهنگی، دولت آفریقای جنوبی در راستای اهداف عالی مورد نظر خود در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای، گسترش فرهنگ خود به خارج از مرزها را نیز در رأس اقدامات دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی و فرهنگی قرار داد. از آن زمان تاکنون این راهبرد نوین فرهنگی به صورت هدفمند در دستورکار وزارت خارجه این کشور جای گرفته است و بخش ویژه‌ای در این وزارتخانه به این راهبرد اختصاص یافته است (<http://www.Dfa.gov.za>).

۲-۲. سازمان‌های فعال در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی

در حال حاضر دپارتمان روابط بین‌المللی و همکاری‌های آفریقای جنوبی (وزارت امور خارجه) به‌طور رسمی مدیریت و هماهنگی ارتباطات بین‌المللی دیپلماسی فرهنگی کشور را بر مبنای توسعه منافع ملی بر عهده دارد. دیگر نهادها و سازمان‌های فعال در فرایند پیشبرد دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در خارج از کشور عبارتند از:

- شورای روابط بین‌الملل آفریقای جنوبی؛
- شورای ملی هنرهای آفریقای جنوبی؛
- شورای اجرایی هنرهای آفریقای جنوبی؛
- مرکز هنرهای تجسمی آفریقای جنوبی؛
- شورای میراث فرهنگی آفریقای جنوبی؛
- سفارتخانه‌های کشور در سرتاسر دنیا (SA-policy, 2017).

۳. دستاوردهای دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی

دیپلماسی فرهنگی پویای آفریقای جنوبی طی دو دهه اخیر دستاوردهای مثبتی به دنبال داشته

است و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی دولتی و خصوصی با بهره‌گیری از امکانات خود و براساس تثبیت و تقویت راهبرد کلان سیاست خارجی، به بخشی از اهداف فرهنگی خود دست یافته‌اند. این در حالی است که صرفاً مدت زمان ۲۳ سال (۲۰۱۶-۱۹۹۴) برای بررسی کامل این بخش از سیاست فرهنگی زمان چندانی محسوب نمی‌شود و تحقق کامل اهداف کلان دیپلماسی فرهنگی این کشور حداقل به سه دهه زمان نیاز دارد. مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در عرصه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی بدین شرح هستند:

۱-۳. دستاوردهای فرهنگی

۱-۱-۳. معرفی جاذبه‌های گردشگری و جذب گردشگران خارجی

توسعه و تجهیز هرچه بیشتر صنعت گردشگری و جذب توریست‌های خارجی به‌ویژه گردشگران غربی و آسیای جنوب شرقی از راهبردهای مهم دیپلماسی فرهنگی این کشور به شمار می‌رود. در راستای این راهبرد عملیاتی، سیاست کلان گردشگری آفریقای جنوبی از سال ۱۹۹۵ به بعد به‌موازات جذب گردشگران خارجی، بر مبنای توسعه نیروی انسانی، تقویت زیرساخت‌های موجود، بسیج منابع مالی، بازاریابی مؤثر، و توسعه گردشگری داخلی تدوین و طراحی شده است. در واقع علاوه بر آنکه دولت از این طریق بازار کار عظیمی را برای صنعت گردشگری فراهم آورده است، تلاش کرده است با تأسیس صدها شرکت گردشگری کوچک و متوسط و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، فرهنگ و آداب‌ورسوم قبایل مختلف کشور را به بهترین وجه به گردشگران خارجی معرفی کند و از این طریق درآمد ارزی قابل‌توجهی را وارد خزانه ملی خود سازد (<http://www.info.gov.za>). برگزاری نمایشگاه‌های گردشگری موسوم به ایندابا^۱، تأسیس پایگاه‌های اطلاع‌رسانی متعدد در مورد جاذبه‌های گردشگری آفریقای جنوبی، تشویق گردشگران خارجی به سفر به مناطق مختلف کشور، چاپ و توزیع داستان‌های سیاحتی موسوم به «قصه آفریقای جنوبی من»^۲، اجرای برنامه‌های تبلیغاتی گسترده در مورد صنعت گردشگری کشور در

1. Indaba

2. My south African story

مناطق مختلف جهان، برگزاری جشنواره سالانه فرهنگ ملل در شهرهای مختلف آفریقای جنوبی، برپایی نمایشگاه‌های اختصاصی فرهنگی در کشورهای غربی، توسعه تجارت الکترونیک در بخش جهانگردی و امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های جهانگردی و گردشگری با دیگر کشورهای جهان از دیگر اقدامات بنیادی در راستای توسعه دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود (<http://www.tourism.gov.za>). دولتمردان آفریقای جنوبی همچنین با تمرکز بر مقوله گردشگری مذهبی و برجسته کردن نقش برخی علمای مسلمان اندونزیایی و مالزیایی مهاجر به این کشور در قرون شانزده و هفده میلادی، آرامگاه این بزرگان را به مراکزی برای حضور گردشگران مالزی و اندونزی مبدل ساخته‌اند. این سیاست تا بدان‌جا موفقیت‌آمیز بوده است که معاون رئیس‌جمهور وقت اندونزی در سال ۲۰۰۵ هنگام بازدید رسمی از این کشور بر مزار شیخ یوسف مکاسر (پدر اسلام در آفریقای جنوبی) حضور یافته و از اقدامات دولت آفریقای جنوبی در معرفی این شخصیت ارزشمند مسلمان به مردم اندونزی تشکر و قدردانی کرد (<http://www.dirco.gov.za/docs/speeches/2005>).

۲-۱-۳. حمایت از میراث فرهنگی قاره آفریقا

حمایت از پروژه‌های فرهنگی هنری و تلاش برای حفظ و حراست از میراث ماندگار قاره آفریقا از دیگر راهکارهای مهم پارادایم الگوسازی دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی است. مثال بارز این امر احداث ساختمان جدید کتابخانه احمدبابا در شهر تیمبوکتو کشور مالی در سال ۲۰۰۷ میلادی است که با هدف مراقبت از بیش از ۲۵ هزار نسخه خطی موجود در این کتابخانه صورت گرفت و دولت آفریقای جنوبی هزینه ساخت این ساختمان مجهز با جدیدترین فناوری‌های موجود را با هزینه‌ای بالغ بر بیست میلیون دلار بر عهده گرفت. اقدام ارزنده آفریقای جنوبی در حفظ و پاسداشت آثار کهن فرهنگی کتابخانه احمدبابا از سوی سازمان علمی فرهنگی یونسکو نیز مورد تقدیر و گرامیداشت قرار گرفت.^۱ علاوه بر آن،

۱. کتابخانه احمدبابا با دارا بودن هزاران نسخه خطی منحصربه‌فرد، در جریان آزادسازی این شهر توسط نظامیان فرانسوی در اواسط بهمن ماه ۱۳۹۱، به وسیله طواریق و هم‌پیمانان القاعده‌ای آن‌ها به آتش کشیده شده و بسیاری از کتب خطی آن از بین رفت.

آفریقای جنوبی تاکنون بالغ بر چند میلیون دلار را با هدف بهبود شرایط نگهداری از آثار باستانی قاره آفریقا در اختیار بنیاد میراث جهانی آفریقا قرار داده است (www.wordheritagesites.org). فعالیت‌های گسترده آفریقای جنوبی در حمایت از پروژه‌های فرهنگی - هنری در سطح قاره آفریقا عمدتاً از طریق شبکه آرت‌ریال^۱ صورت می‌گیرد. این شبکه دربرگیرنده هنرمندان، واحدهای خلاق سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دست‌اندرکار صنایع فرهنگی، مؤسسه‌های آموزشی، جشنواره‌ها و دیگر مجموعه‌های فعال در بخش‌های هنر و فرهنگ و میراث آفریقایی در سرتاسر قاره آفریقا است و هزینه آن توسط دولت تأمین می‌شود (Annual Report, 2007: 209-10).

۳-۱-۳. زبان و ادبیات

آفریقای جنوبی کشور تنوع زبان‌ها و ادبیات بومی است و تنها کشور جهان به شمار می‌رود که قانون اساسی آن بر مبنای رعایت اصول دموکراسی، یازده زبان را به‌عنوان زبان‌های رسمی کشور به رسمیت شناخته است که این امر به معنای پیام وحدت و دوستی و احترام به خرده‌فرهنگ‌های کشور است (Ball, 2006: 18). در واقع آفریقای جنوبی جدای از آنکه به زبان و ادبیات بومی به‌عنوان یکی از عوامل مهم ارتقای اندیشه بیداری و همدلی مردم توجه دارد (نصیری، ۱۳۸۵: ۹۷)، در بخش ادبیات معاصر نیز با تشویق نویسندگان به تألیف آثاری در راستای ارتقای خودآگاهی و شیوه احقاق حقوق شهروندی، بسترهای روابط متقابل این کشور با سایر کشورهای جهان را از دروازه فرهنگ و ادب نیز گشوده و قدرت نرم خود را در سرتاسر قاره آفریقا از طریق انبوه کتب و رمان‌های ادبی نویسندگان سفیدپوست و سیاه‌پوست خود به نمایش گذاشته است. در راستای این راهبرد مهم و تعیین‌کننده، طی دو دهه گذشته بسیاری از کتب ادبی نوشته‌شده توسط نویسندگان آفریقای جنوبی در دیگر کشورهای قاره آفریقا توزیع و به زبان‌های مختلفی ترجمه شده‌اند که به نوبه خود در گسترش دیپلماسی فرهنگی این کشور در فرای مرزهای آن بسیار اثرگذار بوده است (<http://theculturetrip.com/africa/south-africa>).

1. Arterial

در این ارتباط، به موازات توجه به زبان‌های قبایل مختلف آفریقای جنوبی، تقویت زبان انگلیسی و تثبیت تدریجی آن به‌عنوان زبان رسمی کشور از بخش‌های مهم دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌رود و دولت در تلاش است هرچه بیشتر از این طریق در عرصه‌های بین‌المللی نفوذ کند (Baldauf & Kaplan, 2004: 55).

۳-۱-۴. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

بخشی از دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در دو دهه اخیر معطوف مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها بوده است. آفریقای جنوبی که از نظر دارا بودن دانشگاه‌های منطبق با استانداردهای جهانی همچون دانشگاه ویتزواتررند، دانشگاه استلن بوش، دانشگاه پرتوریا، دانشگاه کیپ‌تاون، دانشگاه کیپ غربی و غیره سرآمد قاره آفریقا محسوب می‌شود، طی چند سال گذشته موفق به جذب دانشجویانی از کشورهای مختلف آفریقایی شده است و از این طریق نیز دیپلماسی فعال فرهنگی خود را گسترش داده است (<http://www.southafrica.info/universities>). اعطای بورسیه‌های تحصیلی رایگان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی آفریقای جنوبی به دانشجویان کشورهای فقیر آفریقایی از دیگر راهبردهای تعیین‌کننده‌ای است که گسترش دیپلماسی فرهنگی در مناطق مختلف قاره را سرعت بخشیده است. در راستای این راهبرد و براساس سیاست‌های کلی دولت، مراکز آموزش عالی موظف شده‌اند تا پایان دهه ۲۰۲۰، در عرصه‌های جهانی به رقابت با دانشگاه‌های معروف جهان بپردازند و استانداردهای آموزشی خود را تا حد امکان ارتقا بخشند (Reviews a National policies for Education South Africa, 2008: 374).

۳-۲. دستاوردهای هنری

۳-۲-۱. هنرهای بومی و صنایع دستی

یکی از بخش‌های مهم سیاست فرهنگی آفریقای جنوبی که مستقیماً بر دیپلماسی فرهنگی نیز اثرگذار بوده و از زمان حاکمیت سیاهان در دستورکار دولت قرار گرفته است، توجه ویژه به هنرهای بومی است. در این راستا، هنرهای سنتی آفریقای جنوبی نظیر تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، طراحی، نقاشی، ادبیات شفاهی و مکتوب، و حرکات موزون نمایشی

به‌عنوان ابزار مهم دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و دولتمردان از این طریق درصدد گسترش حوزه نفوذ فرهنگی خود در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای هستند (www.arts in africa.com/SA policy, 2017: 4). علاوه بر آن شعرا، مجسمه‌سازان، خوانندگان، نوازندگان، هنرمندان، عکاسان، موسیقی‌دانان، نویسندگان و طراحان آفریقای جنوبی به‌عنوان بخشی از معماران دموکراسی آفریقای جنوبی، جایگاه والایی را در دیپلماسی فرهنگی به خود اختصاص داده‌اند. این طیف فرهنگی با انعکاس تولیدات و خلاقیت‌های خود در عرصه‌های جهانی و قاره آفریقا از ابزارهای مهم تحقق اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌روند و فرهنگ و هنر این کشور را به بهترین وجه به دیگر کشورها معرفی کرده‌اند. بر مبنای این سیاست‌گذاری، هر ساله تعدادی از هنرمندان آفریقای جنوبی با حمایت دولت به صورت فردی و گروهی در جشنواره‌های بین‌المللی فرهنگی و هنری در کشورهای مختلف شرکت می‌کنند و گوشه‌هایی از فرهنگ و هنر این کشور را در معرض نمایش دیگر مردمان جهان قرار می‌دهند. این‌گونه اقدامات معمولاً از طریق «شورای مشورتی آفریقای جنوبی» که مسئولیت نظارت بر امور هنری در داخل کشور و سیاست‌گذاری امور هنری در خارج از کشور را بر عهده دارد، صورت می‌گیرد (Hagoort, 2007: 77).

۲-۳- شبکه‌های تلویزیونی و صنعت سینما

رسانه‌های تصویری آفریقای جنوبی نیز در عرصه سیاست فرهنگی نقش‌آفرین بوده و شبکه‌های کابلی و ماهواره‌ای آفریقای جنوبی به‌ویژه شبکه «ام‌نت» نقش مهمی در گسترش نرم و تدریجی دیپلماسی فرهنگی آن در دیگر کشورهای جهان بر عهده دارند. در واقع می‌توان گفت شبکه‌های ماهواره‌ای قدرتمند آفریقای جنوبی که در سرتاسر جهان قابل دستیابی هستند، از عوامل اصلی پارادایم الگوسازی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌روند و تاکنون ایفاگر نقش مهمی در الگوسازی از این کشور در سطح قاره آفریقا بوده‌اند. مرکز عملیات و هماهنگی وزارت همکاری‌ها و روابط بین‌المللی آفریقای جنوبی مسئولیت نظارت بر

فعالیت‌های رسانه‌های گروهی این کشور را در راستای تصویرسازی مثبت از آفریقای جنوبی در سطح منطقه و جهان بر عهده دارد. این مرکز از بخش‌های مهم در اجرای اهداف عالی دیپلماسی فرهنگی کشور محسوب می‌شود (<http://publicdiplomacy.com>).

صدور فیلم‌های سینمایی و سریال‌های داستانی این کشور به دیگر کشورهای آفریقایی از دیگر بخش‌های دیپلماسی فعال فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌رود. در راستای این راهبرد، دولت هر سال مجموعه‌ای از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های داستانی خود را در مضامین رمانتیک و اجتماعی با قیمت‌های مناسب (یا به صورت رایگان در قبال پخش آگهی) در اختیار سایر کشورهای آفریقایی قرار می‌دهد و می‌کوشد استراتژی تصویرسازی مثبت از خود را به صورت نرم و تدریجی تداوم بخشد. علاوه بر آن، دولت از سال ۱۹۹۴ به بعد با تشویق کارگردانان بزرگ جهان به ساخت فیلم‌های سینمایی در این کشور، جذابیت‌های طبیعی مناطق مختلف آن را به نحو مناسبی به جهانیان معرفی کرده است. آفریقای جنوبی در راستای توسعه صنعت فیلم‌سازی خود تاکنون موافقت‌نامه‌هایی با کشورهای کانادا، ایتالیا، آلمان، انگلستان و هند امضا کرده است و دولت با ساخت استودیو فیلم‌سازی بزرگی در حومه کیپ‌تاون که به سبک هالیوود احداث شده است، کارگردانان بزرگ جهانی را تشویق می‌کند. پروژه‌های بزرگ خود را با هزینه‌های بسیار کمتر از کشورهای غربی، در این کشور انجام دهند (www.southafrica.info). در راستای این سیاست، تاکنون ده‌ها فیلم سینمایی هالیوودی با حضور مشهورترین هنرپیشه‌های غربی در این کشور تولید شده‌اند و موجبات معرفی جاذبه‌های زیبای طبیعی و گردشگری کشور را به‌طور غیرمستقیم فراهم آورده‌اند.

۳-۳. دستاوردهای اجتماعی

۳-۳-۱. پارادایم دموکراسی و مدیریت

تلاش برای ایفای نقش رهبری در سطح قاره آفریقا و عرض‌انداز به‌عنوان یکی از کشورهای متمدنی و پیشرو از نقطه‌نظر رهبری و مدیریت و اجرای اصول دموکراسی در قاره آفریقا، از دیگر نتایج دیپلماسی فرهنگی کشور از سال ۱۹۹۴ تاکنون محسوب می‌شود.

(<http://publicdiplomacy.com>). در واقع رهبران آفریقای جنوبی گفتمان سیاسی در انتقال مصالحه‌جویانه قدرت به سیاهان در سال ۱۹۹۴ به دور از هرگونه خشونت و کشتار را از افتخارات بزرگ این کشور و نمادی از حاکمیت روح دموکراسی بر ارکان نظام حکومتی آفریقای جنوبی می‌دانند و این فرایند به مدلی در سطح آفریقا تبدیل شده است (Salazar, 2002: 118-119). کناره‌گیری تابو/مبکی از قدرت در سال ۲۰۰۸ و جاکوب زوما در سال ۲۰۱۸ نیز از مظاهر بارز حاکمیت دموکراسی در این کشور به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد دولتمردان کشور هم این روش را به نوعی مشق دموکراسی در قاره آفریقا مبدل ساخته‌اند، چراکه کناره‌گیری رؤسای جمهور در قاره آفریقا که همچنان براساس خوی و خصلت رؤسای قبایل بر کشورهای خود حکومت می‌کنند، پدیده‌ای نو و منحصربه‌فرد محسوب می‌شود (overcomingapartheid.msu.edu). در راستای این سیاست الگوسازی، دولت ضمن تأکید بر رعایت عدالت و مساوات بین گروه‌های مختلف نژادی ساکن در کشور اعم از سیاهان، سفیدها، رنگین‌پوستان و هندی‌ها، همواره خود را متعهد به رعایت اصول و موازین دموکراسی دانسته است و به‌طور غیرمستقیم دیگر کشورهای این قاره را به دنباله‌روی و الگوپذیری از خود فراخوانده است (Salazar, 2002: 118-9). موفقیت در ایجاد جامعه‌ای جدید به دور از هرگونه تبعیض نژادی، به دور از تمایزهای ناشی از رقابت‌های قومی و قبیله‌ای به همراه نفی تبعیض‌های مبتنی بر رنگ پوست، دین، فرهنگ و زبان از اهداف سیاست جامع فرهنگی آفریقای جنوبی است (Oxford Art Journal 1996: 19) که بخش مهمی از پارادایم الگوسازی دیپلماسی فرهنگی کشور بر آن استوار شده است.

۲-۳-۳. اقلیت‌ها

دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی از طریق اقلیت‌های هندی، پاکستانی و اندونزیایی ساکن کشور تا حدودی بر شبه‌قاره هند و آسیای جنوب شرقی نیز تأثیرگذار بوده است؛ از این رو می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی آن تلاش کرده است جدای از محدوده قاره آفریقا، حوزه نفوذ خود را به دیگر مناطق جهان نیز گسترش دهد و از طریق اقلیت‌های خارجی مقیم،

درصدد تحقق این هدف است. در همین راستا، هندی‌های ساکن آفریقای جنوبی در ارتباطات خود با کشور مادر، بخشی از فرهنگ آفریقای جنوبی را نیز به صورت غیرمستقیم به هندوستان و دیگر کشورهای شبه‌قاره هند انتقال داده‌اند (Chandramohan, 2011: 15). تأثیرگذاری این بخش از دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به گونه‌ای بوده است که برخی از هندی‌های ساکن دیگر کشورهای آفریقا نیز پس از پیروزی سیاهان آفریقای جنوبی، نام فرزند خود را ماندلا گذاشته‌اند (Obeng, 2008: 86) که به نوبه خود تأثیر دیپلماسی پویای فرهنگی این کشور را در قاره آفریقا نمایان می‌سازد.

۳-۳-۳. میزبانی تورنمنت‌های بزرگ ورزشی

میزبانی تورنمنت‌ها و مسابقات بین‌المللی و منطقه‌ای ورزشی از دیگر راهبرهای مهم دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌رود. برگزاری جام جهانی راگی در سال ۱۹۹۵ و میزبانی مسابقات فوتبال جام ملت‌های آفریقا در سال ۱۹۹۶ به همراه تلاش گسترده برای میزبانی بازی‌های تابستانی المپیک در سال ۲۰۰۴ به نمایندگی از قاره آفریقا (Goldstein, 2004: 52) از نمونه‌های شاخص این بخش از دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌روند. در این بین، برگزاری موفقیت‌آمیز جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۰ بزرگ‌ترین افتخار برای کشور محسوب می‌شود و مقامات آفریقای جنوبی برپایی موفقیت‌آمیز این رویداد مهم ورزشی را که برای نخستین بار در قاره آفریقا صورت گرفت و تحسین مقامات عالی‌رتبه فیفا را نیز به دنبال داشت، افتخار بزرگی در رستاخیز تولد دموکراسی در یکی از کشورهای جدید جهان قلمداد کرده‌اند (Berlin, 2001: 1). گفتنی است شورای روابط بین‌الملل وزارت روابط و همکاری‌های بین‌المللی (وزارت امور خارجه) آفریقای جنوبی ورزش را واجد جایگاه والایی در پارادایم الگوسازی مثبت از این کشور در سطح جهان دانسته است. مسئولان وزارت فرهنگ آفریقای جنوبی نیز در افقی عالی‌تر، ورزش را عامل مهم و اساسی در اتحاد و یکپارچگی قاره آفریقا، با تکیه بر سرمشق قراردادن این کشور می‌دانند. آنان معتقدند دموکراسی جوان آفریقای جنوبی به‌خوبی می‌تواند از طریق ورزش به‌مثابه الگویی مورد توجه دیگر کشورهای قاره قرار گیرد و روح عدالت را بر آفریقا مستولی سازد (<http://www.southafrica.net>).

۴-۳-۳. صنایع

دولت آفریقای جنوبی در زمینه پیشبرد اهداف مورد نظر خود در امر دیپلماسی فرهنگی، پتانسیل سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ فناوری و صنعتی را به کار گرفته است و این شرکت‌ها غیرمستقیم و در جریان انجام پروژه‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی در کشورهای مختلف جهان، بسترساز تحقق بخشی از اهداف دیپلماسی فرهنگی کشور هستند. از جمله این شرکت‌ها می‌توان به کمپانی بزرگ ساسول اشاره کرد که عهده‌دار پروژه‌های بزرگ گازی و نفتی در مناطق مختلف جهان به‌ویژه در زمینه تبدیل زغال به گاز مایع است. این شرکت و کمپانی بزرگ مخابراتی ام.تی.ان^۱ اقدامات مهمی در زمینه توسعه دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در کشورهای مختلف جهان انجام داده‌اند (Bodomo, 2009: 9).

آفریقای جنوبی همچنین از طریق دیپلماسی فرهنگی به‌نوعی در صدد ایجاد فرهنگ مصرف در دیگر کشورهای آفریقایی و فراهم آوردن بازار مناسب برای انبوه تولیدات صنعتی خود از جمله خودروهای سواری و ماشین‌آلات مختلف است (Goldstein, 2004: 128) و در راستای اجرای این بخش از دیپلماسی فرهنگی خود تاکنون در کشورهایی همچون زیمبابوه، زامبیا، موزامبیک، نیجریه، سنگال، ساحل عاج، تانزانیا، کنیا، اتیوپی، کنگوی دموکراتیک، آنگولا، مالی، نیجر و غیره به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته است و با به‌دست گرفتن بازار مصرف این کشورها، به صورت تدریجی در حال ترویج غیرمستقیم فرهنگ خود است.

۵-۳-۳. ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

آفریقای جنوبی از بنیان‌گذاران اتحادیه آفریقا است و جدای از آنکه نفوذ زیادی در این سازمان مهم منطقه‌ای دارد و خط‌مشی خود را مستقیم و غیرمستقیم به اتحادیه آفریقا اعمال می‌کند، بخشی از دیپلماسی فرهنگی خود در سطح قاره را نیز از طریق این سازمان تحقق می‌بخشد. این وضعیت به‌ویژه در دوره ریاست جمهوری تابو امبکی از جایگاه هژمونیک بیشتری برخوردار بود و آفریقای جنوبی در سال‌های نخستین و میانه دهه ۲۰۰۰ میلادی، با تبلیغ ایده

۱. این شرکت مخابراتی با نام «ایرانسل» در ایران فعالیت دارد.

«رسانس آفریقایی» به‌نوعی رهبری این نهضت جدید را به دست گرفته بود (<http://www.nepad.org/nepad>). علاوه بر آن، کشور از طریق تحکیم و تثبیت جایگاه بین‌المللی خود در سازمان ملل متحد نیز درصدد پیشبرد اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی در سطح جهانی و منطقه‌ای است. در راستای این سیاست پویا، در دوره حضور در شورای امنیت سازمان ملل (به‌عنوان یکی از اعضای غیردائم شورای امنیت)، انتخاب به‌عنوان یکی از ۴۷ کشور بنیان‌گذار شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ و به‌چالش کشیدن ساختار سازمان ملل و درخواست عضویت ثابت در این شورا (Salazar, 2002: 118-119) تلاش زیادی به خرج داد تا دیپلماسی فرهنگی فعال خود را هرچه بیشتر در عرصه بین‌المللی و قاره آفریقا تقویت کند. بهره‌گیری از پتانسیل سازمان‌های منطقه‌ای نظیر «نپاد»^۱ و «سادک»^۲ در راستای تحقق اهداف مورد نظر از دیگر اولویت‌های دیپلماسی فرهنگی این کشور طی دو دهه گذشته محسوب می‌شود (Kagwanja & Kondlo, 2008: xxxviii) که دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای را در عرصه سیاست خارجی آفریقای جنوبی به دنبال داشته است.

۳-۳-۶. کسب وجهه و اعتبار جهانی و منطقه‌ای از طریق ایفای نقش میانجی‌گرایانه

یکی از موفقیت‌های مهم دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی طی دو دهه گذشته، تلاش برای ایفای نقش میانجی‌گرایانه در اختلاف‌ها و مناقشه‌های مناطق مختلف قاره آفریقا و حتی دیگر کشورهای جهان براساس این منطق بوده است که «مشکلات آفریقا باید در درون این قاره حل و فصل شود». در راستای این سیاست، رؤسای جمهور پیشین و فعلی کشور در رفع برخی بحران‌های منطقه‌ای و جهانی همچون بحران ساحل عاج، کنگوی دموکراتیک، برون‌دی، منطقه دریاچه بزرگ، سومالی، سودان، عراق و فلسطین حضور فعالی داشته‌اند. در واقع آفریقای جنوبی از طریق این‌گونه اقدامات میانجی‌گرایانه، به یکی از بازیگران سیاسی قدرتمند در قاره آفریقا و سطح جهان تبدیل شده است و از این طریق وجهه بین‌المللی و منطقه‌ای خود را به نحو بارزی ارتقا بخشیده است (<http://www.publicdiplomacy.com>). از جمله این

1. Nepad
2. SADC

میانجی‌گری‌ها که موجبات شهرت هرچه بیشتر این کشور را در سطح جهانی و تصویرسازی مثبت از آن در عرصه بین‌المللی فراهم ساخت، می‌توان به اقدامات صلح‌طلبانه نلسون ماندلا رئیس‌جمهور اسبق این کشور، در سطح قاره آفریقا و جهان از جمله تلاش برای وساطت در بحران موسوم به لاکربی در سال ۱۹۹۴ اشاره کرد که هرچند در آن سال با مخالفت نخست‌وزیر وقت انگلستان مواجه شد، ولی در نهایت ماندلا در سال ۱۹۹۹ طی مذاکراتی فشرده با قذافی حاکم وقت لیبی، او را متقاعد ساخت تا دو متهم اصلی پرونده را به دادگاه بین‌المللی لاهه تسلیم کند (www.nobleprize.org).

تابو امبکی رئیس‌جمهور اسبق آفریقای جنوبی نیز ضمن ادامه نقش فعال میانجی‌گرایانه ماندلا در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ضمن تلاش برای حمایت از دولت مرکزی کنگو در مقابل شورشیان در سال‌های نخست دهه ۲۰۰۰ میلادی و حل و فصل جنگ داخلی آنگولا به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، رفع مشکلات ناشی از خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در کشورهایی همچون سومالی و سودان را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد (Kagwanja & Kondlo, 2009: 295). دولت آفریقای جنوبی در نیمه نخست دهه ۲۰۰۰ میلادی دیپلماسی فعال میانجی‌گرایانه خود را با استقرار گروهی از نیروهای حافظ صلح در مناطق بحرانی آفریقا همچون رواندا و بروندي و کنگوی دموکراتیک طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۴ تداوم بخشید (Kagwanja & Kondlo, 2009: 313). جاکوب زوما رئیس‌جمهور سابق و سیریل رامافوزا رئیس‌جمهور فعلی نیز طی چند سال گذشته با تأکید بر توسعه دموکراسی‌سازی و مردود شمردن اعمال ضد حقوق بشر در سطح جهان، سیاست ممانعت از درگیری و تلاش برای حل و فصل منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی را ادامه داده‌اند که نتایج مثبتی نیز به همراه داشته است (http://www.southafrica.info/news/international/policy). در مجموع می‌توان گفت میانجی‌گری در بسیاری از بحران‌های سیاسی منطقه‌ای به‌ویژه در سطح قاره آفریقا و به‌دست‌گرفتن نقش رهبری در منطقه جنوب آفریقا، از اصول ثابت سیاست خارجی آفریقای جنوبی به شمار می‌رود (بخشی و قربان‌اوغلی، ۱۳۸۷: ۶) و بخشی از دیپلماسی فرهنگی این کشور نیز بر همین مبنا طراحی و تدوین شده است.

۷-۳-۳. میزبانی اجلاس بین‌المللی

از دیگر شاخصه‌های مهم دیپلماسی فعال فرهنگی آفریقای جنوبی میزبانی اجلاس بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی در موضوعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی و دهه نخست ۲۰۰۰ میلادی بوده است. این کشور طی دو دهه گذشته میزبان ده‌ها کنفرانس و سمینار جهانی و منطقه‌ای بوده است؛ از جمله نشست‌های متعدد سران اتحادیه آفریقا، چند نشست منطقه‌ای، دوازدهمین کنفرانس جهانی ایدز (۲۰۰۰)، کنفرانس ضدنژادپرستی سازمان ملل (۲۰۰۱)، نشست بین‌المللی حمایت از تفاوت‌های فرهنگی (۲۰۰۳)، اجلاس سازمان ملل در مورد گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۰۶)، اجلاس راهبرد همکاری جدید آسیا و آفریقا در سال (۲۰۰۶)، برگزاری کنفرانس دوسالانه شبکه «آرتریال» (۲۰۰۹)^۱، برگزاری هفتمین نشست دوسالانه جهانی ورزش، آموزش و فرهنگ در جهان (۲۰۱۰) (Garcia, 2011: 60) کنفرانس بین‌المللی تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل (۲۰۱۱) (<http://www.southafrica.info>)، کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی (۲۰۱۲)، هجدهمین کنفرانس کشورهای مشترک‌المنافع (۲۰۱۳)، کنگره اتحادیه جهانی معماران (۲۰۱۴)، بیست‌ویکمین کنگره جهانی باپتیست‌ها (۲۰۱۵)، کنگره جهانی زمین‌شناسی (۲۰۱۶) و ده‌ها کنفرانس بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر (<http://www.southafrica.net>). میزبانی اجلاس بزرگ جهانی و منطقه‌ای از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی به شمار می‌رود و شهرهایی همچون کیپ‌تاون، دوربان و ژوهانسبورگ رفته‌رفته به شهرهای برگزارکننده کنفرانس‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند که به نوبه خود دستاوردهای مهمی برای این کشور به دنبال داشته است.

در تحلیل کلی می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی شامل توسعه روابط با دولت‌های خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش و پرورش از یک سو و تشویق و گسترش نهادهای ملی، نظام ارزش‌ها و شاخصه‌های منحصر به فرد فرهنگی در سطوح دوجانبه و چندجانبه

1. Arterial

از دیگر سوسی، دستاوردهای موفقیت‌آمیزی به دنبال داشته است. به عبارت دیگر دولت آفریقای جنوبی هوشمندانه و با بهره‌گیری از نظریه قدرت نرم، به اشاعه و گسترش دیپلماسی فرهنگی خود در سطح قاره آفریقا پرداخته و موفق شده است ضمن نفوذ نرم و تدریجی در کشورهای قاره، جایگاه نخست قدرت منطقه‌ای را در سطح آفریقا - به‌ویژه منطقه زیر خط صحرای بزرگ آفریقا - به خود اختصاص دهد. بدین‌گونه آفریقای جنوبی ضمن پیشی‌جستن از نیجریه و مصر - به‌عنوان رقبای سنتی‌اش در آفریقا - در حال حاضر به یکی از تأثیرگذارترین کشورها از نقطه‌نظر دیپلماسی فرهنگی در تقریباً تمام ۵۴ کشور این قاره پهناور تبدیل شده است.

علاوه بر آن، آفریقای جنوبی طی دو دهه گذشته کوشیده است به موازات دیپلماسی فرهنگی، دستگاه سیاست خارجی خود را نیز وارد عرصه رقابت‌های جهانی کند؛ لذا با رعایت اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و درعین‌حال حفظ استقلال و عدم همسویی با قدرت‌های جهانی، بارها سیاست‌های امپریالیستی آمریکا را در مناطق مختلف جهان از جمله در جریان حمله به افغانستان و عراق به چالش کشیده است.^۱ این وضعیت در مورد رژیم اشغالگر قدس نیز کاملاً مشهود است و دولت آفریقای جنوبی با وجود رابطه سیاسی با این کشور، بارها سیاست‌های تجاوزگرایانه اسرائیل علیه مردم فلسطین به‌ویژه ساکنان نوار غزه و کشورهای همسایه آن را محکوم کرده است که نمونه بارز آن شکایت از اسرائیل به دادگاه بین‌المللی لاهه در نسل‌کشی مردم غزه در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ است. آفریقای جنوبی هنگام بروز بحران‌های منطقه‌ای همچون بحران سومالی، جنگ داخلی سیرالئون (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، کودتاهای نظامی در کشورهای غرب آفریقا (دهه ۲۰۰۰ میلادی)، بحران انتخابات در کنیا (۲۰۰۸)، جنگ داخلی لیبی (۲۰۱۱-۲۰۱۲) و بروز حوادثی همچون قحطی، سیل و خشکسالی نیز به صورت مستقیم یا از طریق اتحادیه آفریقا، به مدیریت این بحران‌ها پرداخته است و تلاش کرده تا حد امکان مانع ورود قدرت‌های جهانی به قاره آفریقا شود.

۱. با این حال آفریقای جنوبی همواره از رویارویی آشکار با ایالات متحده آمریکا پرهیز کرده است که نمونه بارز آن همسویی با ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی در تحریم‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸ علیه جمهوری اسلامی ایران است.

فرجام سخن

دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی طی دو دهه اخیر جایگاه خاصی را در سیاست جامع فرهنگی و دستگاه سیاست خارجی این کشور به خود اختصاص داده است و دولت‌های وقت از ۱۹۹۴ میلادی تاکنون با بهره‌گیری از پتانسیل دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی، فرهنگی و هنری مختلف، تقویت دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی را به منزله تثبیت و تحکیم هرچه بیشتر منافع ملی کشور قلمداد کرده‌اند و بر تحقق اهداف مورد نظر آن تأکید ورزیده‌اند. علاوه بر آن، دولتمردان این کشور همواره در حال گسترش برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی آفریقای جنوبی در سطوح بین‌المللی بوده و با بهره‌گیری مناسب از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارند درصدد پیشبرد اهداف خود هستند.

در بخش‌های مختلف این مقاله تلاش شد به گونه‌ای مستدل و به‌طور مصداقی به این پرسش اصلی که «آیا آفریقای جنوبی موفق به تحقق اهداف مورد نظر خود در بهره‌گیری توانمند و موفقیت‌آمیز از قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است؟»، بر مبنای چهارچوب نظری پژوهش (نظریه قدرت نرم جوزف نای) پاسخ داده شود. بر این مبنای مواردی همچون معرفی جاذبه‌های گردشگری و جذب گردشگران خارجی، حمایت از میراث فرهنگی قاره آفریقا، زبان و ادبیات، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، هنرهای بومی و صنایع دستی، شبکه‌های تلویزیونی و صنعت سینما، میزبانی تورنمنت‌های بزرگ ورزشی، صنایع، ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، کسب وجهه و اعتبار از طریق ایفای نقش میانجی‌گرایانه، میزبانی اجلاس بین‌المللی شاخصه‌هایی از موفقیت‌های این کشور در نیل به اهداف خود در مسیر تبدیل به قدرت بلامنازع در جنوب آفریقا و حتی کل قاره آفریقا، و تصویرسازی مثبت در راستای تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های نوظهور در سطح جهان مورد بررسی قرار گرفتند.

در واقع می‌توان گفت هرچند آفریقای جنوبی در درون خود با مشکلات زیادی اعم از

تداوم اختلاف طبقاتی و تفاوت‌های قومی - نژادی بین سیاهان و سفیدپوستان، فقدان تعادل در توزیع ثروت و درآمد سرانه سفیدپوستان با سیاه‌ها، ادامهٔ سیطرهٔ سفیدها بر اقتصاد آفریقای جنوبی، مشکلات ناشی از ناامنی و فساد گستردهٔ اداری مواجه است، باین‌حال با استفادهٔ ابزاری مثبت از دیپلماسی فرهنگی (به‌موازات سایر ابزارهای دستگاه دیپلماسی) توانسته است چهرهٔ درخشانی را از خود به‌عنوان الگویی موفق از یک کشور پیشرفتهٔ صنعتی کشاورزی ارائه دهد و روابط خارجی خود را در سطوح منطقه‌ای و جهانی به نحو قابل‌تحسینی تثبیت کند.

راهبرد موفقیت‌آمیز دیپلماسی فرهنگی آفریقای جنوبی در راستای توسعهٔ نفوذ در دیگر کشورهای جهان به‌ویژه در سطح قاره آفریقا بر مبنای اعتمادسازی، بهره‌برداری از فرصت‌های نوین و ترویج منافع ملی بدون برانگیخته‌شدن حساسیت کشورهای هدف و پیشبرد سیاست‌های بازگانی خارجی بدون هرگونه ریسک و خطرپذیری در بحث امنیت ملی کشور، می‌تواند به‌عنوان پارادایمی کارآمد و موفق در بحث سیاست‌گذاری و تهیه نقشه راه برای تنظیم مناسبات با همسایگان و کشورهای مختلف آفریقایی، مورد استفادهٔ دولتمردان جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گیرد. بدیهی است بهره‌گیری مناسب از این پارادایم، علاوه بر تحقق راهبرد جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی در راستای تصویرسازی مثبت از ایران در سطوح منطقه‌ای و جهانی، در معرفی دستاوردهای بزرگ چند دهه اخیر در حوزه‌های صنعتی، علمی و فناوری نیز مؤثر است و تلاش معاندان را در ارائه چهره‌ای مخدوش از جمهوری اسلامی بی‌اثر خواهد ساخت.

فهرست منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۹). روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همسایگان: مطالعه موردی ایران و ترکیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بخشی، احمد و قربان‌اوغلی، جاوید (۱۳۸۷). «بررسی روابط خارجی ایران و آفریقای جنوبی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال نهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۸۷، صص ۳۱-۱.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- نای، جوزف (۱۳۸۶). «قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهان»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال دهم، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۴۲-۱۳۵.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۵). شناسنامه فرهنگی آفریقای جنوبی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

- All about South Africa rainbow country* (2004). Cape Town: Struik Publishers.
- Annual Report of Department of Foreign Affairs* (2006-7). Department of Foreign Affairs, South Africa, available (2016) online at: www.southafrica.info/news/international_policy.
- Baldauf, Richard Birge; Kaplan, Robert B. (2004). "Language Planning Policy in Africa", V. 1, *Multilingual Matters*.
- Ball, Arnetha. F (2006). "Multi-cultural strategies for education and cultural change carrier of the torch in the United States and South Africa", *Collage Teachers*, Columbia University.
- Berlin, (2001). *The International Symposium on Cultural Diplomacy in Africa the Rise of Africa -strategies to confront the Challenges of the 21st Century: does Africa have whatever is required?*
- Bodomo, Adams (2009). "Africa-China Relations: Symmetry, Soft Power and South Africa", *The China Review*, Vol. 9, No. 2 (Fall 2009).
- Chandramohan, Balaji (2011). "The Uses of Public and Cultural Diplomacy", *Institute for Defense Studies and Analyses*, available (2016) online at: <http://www.idsa.in>
- Craik, Jennifer (2007). "Re-Visioning Arts and Cultural Policy: Current Impasses and Future Directions", ANU E Press.
- Cummings, Milton C. (2003). *Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey*, Washington DC: Center for Arts and Culture.
- Doyle, Michael W. (1999). "Preserving and Expanding the Liberal Pacific Union" in John A. Hall and TV Paul's, (Eds), *International order and the future of world politics* Cambridge University Press.
- Falola, Toyin & Salm, Steven J. (2004). *Globalization and Urbanization in Africa*, Africa World Press.
- Garcia, Beatriz (2012). *The Olympic Games and Cultural Policy*, Routledge, Africa.
- Goldstein, Andrea E. (2004). *Regional Integration, FDI and Competitiveness in Southern*

- Africa, OECD Publishing.
- Hagoort, Elena (2007). *Art and Culture in South Africa*, South African Cultural Association, Cape Town.
- Kagwanja, Peter & Kondlo, Kwandiwe (2008). *State of the nation*, South Africa Hsrc press, Cape Town.
- Malone, Gifford D. (1988). *Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy*. University Press of America.
- Marilyn, Martin. (1996). "The Rainbow Nation: Identity and Transformation", *Oxford Art Journal*, Vol. 19, No. 1.
- Mark, Simon (2009). *A greater role for cultural diplomacy*, Netherlands Institute of International Relations, Clingendael.
- Masters, Lesley, Zondi, Siphamandla (Eds) (2015). *South African Foreign Policy Review*, Volume 2, Pretoria, Africa Institute of South Africa.
- Michael Waller (eds) (2007). *The Public Diplomacy Reader*, Washington DC, Institute of World Politics Press.
- Ninkovich, Frank (1996). *U. S. Information Policy and Cultural Diplomacy*, Foreign Policy Association.
- Nye, Josef (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York, Public Affairs.
- Nye, Joseph S. (fall, 1990). "Soft power", *Foreign Policy*, 80 (3).
- Obeng, Washington (2008). *Shaping Membership, Defining Nation the Cultural Politics of African Indians in South Asia*, Lexington books.
- Peter Alegi, Chris Bolsmann (Eds) (2013) *South Africa and the Global Game: Football, Apartheid and Beyond*, London: Routledge.
- Reviews National policies for Education South Africa (2008). *organization for Economic Co-operation and Development*, OECD Publishing.
- Sablosky, Juliet Antunes (2003). "Recent Trends in Department of State Support for Cultural Diplomacy: 1993-2002", *Cultural Diplomacy Research Series*, Center for Arts and Culture.
- Salazar, Philippe Joseph (2002). *An African Athens rhetoric and the shaping of democracy in South Africa*, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Waller, J. Michael (2007). *The Public Diplomacy Reader*, Washington DC, Institute of World Politics Press.

بایگاه‌های اینترنتی

- Africa's Renaissance, available (2017), online at: <http://www.nepad.org>
<http://publicdiplomacy.com>
<http://www.dfa.gov.za>
<http://www.dirco.gov.za/docs/speeches/2005>
<http://www.info.gov.za/whitepapers/1996/tourism>
<http://www.southafrica.net>
 National Tourism Sector Strateg, 2011, available (2017) online at: <http://www.tourism.gov.za>
 SA- policy, available (2017) online at: [www.arts in africa.com/pdf](http://www.artsin africa.com/pdf)
 South Africa: Overcoming Apartheid, Building Democracy, available (2016) online at: overcomingapartheid.msu.edu
 South Africa's universities, available (2017) online at: <http://www.southafrica.info/about/education/universities>
 Top Ten South African Writers, available (1395/11/20) online at: <http://theculturetrip.com/africa/south-africa/articles/top-ten-south-african-writers>
www.Nobleprize.org
www.southafrica.info
www.wordheritagesites.org